

دوستی از سر مهربانی برایم نوشتچه ای فرستاده است، درباره دشنام «پدر سوخته»، که در پیش این را خوانده و درباره اش توضیح هم داده بودم. ولی چون برخی از هم میهنان از جمله دوست گرامی ام از محتوای ضدایرانی و ضد زرتشتی این نوشته آگاه نیستند و آن را هنوز در بین دوستان خود پخش میکنند، بایسته دیدم که کامنت های پیشین را بصورت نوشتچه درآورم - شاید که این نادرستی پایان یابد.

نخست رونوشتی از این داستان ساختگی

«.. وقتی که در زمان یزدگرد عربها به ایران حمله کردند و ایران رو فتح کردند، مردم ایران را که دارای دین زرتشت بودند و آتش پرست، کافر نامیدند و اونها رو مجبور کردند که به دین اسلام روی بیاورند. در این میان گروهی خودشان به دین اسلام گرویدند و گروهی هم از ترس مسلمان شدند، چون می دیدند که افرادی که مسلمان نشوند را میکشند. اعراب افرادی را که مسلمان نمی شدند، مردها و سرپرست خانواده را در آتش میسوزاندند تا دیگران یاغی گری نکنند، و زنان آنها را به کنیزی و بچه ها را برای نوکری و کلفتی می بردند. این بچه ها بزرگ شدند و در خانه اعراب کار میکردند و خود اعراب هم بچه هائی هم سن اونها داشته اند، وقتی از صاحب خانه میپرسیدند که این بچه تو است (کلفت و نوکرها)، میگفته: «نه، این پدر سوخته است» یعنی بچه ما نیست، نوکر و کلفتی است که پدرش در جریان فتح ایران سوزانده شده است، به این نوکر و کلفت ها میگفته اند: «پدر سوخته!»

کنش زشت «پدر از گور درآوردن» و «سوزاندن در پیش چشم فرزند» با آنکه یک نوآوری از سوی نژاد سامی بوده است، ولی اینکه پس از تسخیر ایران، تازیان ایرانی که اسلام نمی پذیرفتند را میسوزاندند و از آنجاست که دشنام «پدر سوخته» پدید آمده است یک دروغ محض و هیچ پایه و اساس تاریخی ندارد.

فرهنگ نوین دهخدا در باره ریشه این دشنام مینویسد: «... در مصر باستان اگر کسی از کسی پولی وام میگرفت و بدهکار میشد ضمانت بدهی جسد مومیایی پدرش بود و اگر نمیرداخت طلبکار حق داشت مومیایی پدر را بسوزاند. به این دلیل کسی که از نظر مالی بدهکار و ورشکست بود پدر سوخته نامیده می شد. کم کم این اصطلاح به سایر ممالک و ایران.»

باری، در بسیاری از نگاشته های تاریخی و اسلامی به این بدگنشی اشاره شده است که ویژه خود تازیان بوده است. برای نمونه آمده است که پس از درگذشت علی ابن ابیطالب هوادارانش پیکر او را پنهانی بخاک سپردند تا مبادا دشمنانش او را از گور در آورده و بسوزانند. پیکر فاطمه زهرا دختر محمد پیامبر مسلمین نیز از ترس گورشکافی دشمنان، پنهانی به خاک سپرده شد و بدینروی جای گور او تا امروز نهفته مانده است. باز آمده است که «عبدالله بن علی، بفرمان سفاح خلیفه عباسی، گورهای تمام امویان در شام را شکافته، استخوان هایشان را بیرون و به شلاق کشیده و سوزانده است»، که تنها گور عمر بن عبدالعزیز شامل این «پدر در آوردن و پدر سوختن» اسلامی نگردیده است [رسول جعفریاد تاریخ اسلام از پیدایش. برگ ۸۸].

سرنوشت پیکر زید، فرزند سجاد (نوه حسین بن علی) نیز به همینگونه سوخته شد. زید پس از برخاستن بر علیه یوسف بن عمر ثقفی که به بهای جاننش پایان یافت، کالبدش را پنهانی به خاک می سپارند ولی یکتن از یاران پیشینش جای گور او را به یوسف نشان میدهد. یوسف نیز دستور میدهد که گور زید را بشکافند، سرش را از پیکر جدا و برای هشام خلیفه اموی بفرستند. هشام، پیکر بی سر زید را هم پس از بدار کشیدن به آتش می کشد [شیخ عباس محدث قمی، وفیات الاعیان منظر الانسان، جلد ۳]. ۵

در کتاب «علی نماد شیعه گری» علی میرفطروس از قول آله دلفک (برگهای ۳۴۱ و ۳۴۲) مینویسد: «بن مایه های دینی می گویند نه تنها پیکر علی به دور از کین خواهی نماند و به آتش کشیده شد که همه آرامگاه های فرزندان او چون حسین به دست پسر عموهایش بنی عباس از جا کنده شد و استخوان ها را به در آورده و به آتش کشیدند» [منبع این ادعا به روشنی ذکر نگردیده است].

باری، این بدگنشی «پدر در آوردن و پدر سوختن» برای نخستین بار در ایران بدست شاه اسماعیل بنیانگذار خاندان صفویه آغاز میشود. بنابر بنوخته «سیاست و اقتصاد عصر صفوی»، برگ ۳۸، در نگاشته های تاریخی آمده است که شاه اسماعیل آئین «دشمن سوزی» را دوباره زنده و دستور داد که بازمانده های پدر دشمن را از گور در آورده و در برابر دیدگان فرزندان یا فرزندان بآتش کشند، و از آنزمان است که دو دشنام «پدر در آوردن» و «پدر سوختن» وارد فرهنگ مردمی ایران شده و هیچ پیوندی با دین بهی و بهدینان ندارد.

دشنام «پدر سوخته»، دروغ تاریخی دیگر برای ناسزاگویی به جامعه زرتشتیان

نوشته شده توسط شاپور سورنپهلو
پنجشنبه ۰۹ دی ۱۳۸۹ ساعت ۲۰:۲۴

شاپور سورنپهلو

نهم دیماه ۱۳۸۹